چهارمین همایش بین‌المللی دانشجویان
ادبیات، تاریخ و مطالعات فرهنگی
4th International Conference
Literature, History and Cultural Studies Students
www.lci.cdsts.ir

تحلیل تاریخی–اجتماعی سفرهای زیارتی در دوره قاجار: با تأکید بر سفرنامه‌های سیاحان اروپایی

مقداد قارلقی[۲].میثم سلیمانی[۱]

۱.دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ تشیع، دانشگاه پیام نور قم، قم، ایران gharloghimeghdad@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسالمی، دانشکده الهیات و معارف اسالمی، دانشگاه تهران، تهران، ایران(نویسنده مسئول)soleymani.meysam@ut.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تحلیل تاریخی–اجتماعی سفرهای زیارتی شیعیان ایران در عصر قاجار، با تأکید بر داده‌های سفرنامه‌های سیاحان اروپایی، انجام شده است. در دوره قاجار، زیارت عتبات عالیات و اماکن مقدس داخلی، نه‌تنها بعد عبادی، بلکه کارکردهای متعدد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی داشت. سازماندهی وسیع کاروان‌ها، نقش‌آفرینی روحانیون و نخبگان، و پویایی ساختارهای پشتیبانی مردمی، در کنار مخاطراتی چون راهزنی، بیماری و ناامنی‌های مرزی، از مهم‌ترین وجوه این پدیده بودند. این مقاله، از طریق واکاوی شواهد سفرنامه‌هایی چون پولاک، وامبری، دروویل و کارالسرنا، نشان می‌دهد که مسافرت زیارتی نقشی اساسی در تقویت سرمایه اجتماعی، توسعه شبکه‌های تجاری و تبادل فرهنگی و نیز تحکیم هویت شیعی در برابر دولت‌های سنی و قدرت‌های خارجی داشت. دولت قاجار، گرچه نسبت به کنترل و مالیات‌دهی زیارت حساسیت نشان می‌داد، اما عملاً بخش عمده سازماندهی و امنیت این سفرها بر عهده شبکه‌های غیردولتی باقی ماند. تحلیل تطبیقی شواهد اروپایی بیانگر آن است که زیارت، فضایی فراگیر برای مقاومت فرهنگی، تبادل اطلاعات، و حمایت جمعی از گروه‌های مختلف اجتماعی بود و تأثیرات آن بر ساختار قدرت و اقتصاد ایران عصر قاجار، فراتر از مرزهای جغرافیایی کشور گسترش داشت. نتیجه آنکه، سفر زیارتی فراتر از یک مناسک مذهبی، نظامی پیچیده از مناسبات اجتماعی و پیشران تحولات فرهنگی–اقتصادی محسوب می‌شد.

کلمات کلیدی: زیارت، دوره قاجار، سفرنامه اروپایی، عتبات عالیات، کاروان زیارتی

مقدمه

دوره قاجار (۱۷۸۵–۱۹۲۵ م) یکی از مقاطع حساس و سرنوشت‌ساز تاریخ ایران است که در آن تعاملات سنتی جامعه با نیروهای نوظهور مدرنیته، سیاست‌های بین‌المللی، و ساختارهای مذهبی درهم تنیده شد. در این بستر تاریخی دوره قاجار (۱۷۸۵–۱۹۲۵ میلادی) از حساس‌ترین و پرفراز و نشیب‌ترین ادوار تاریخ معاصر ایران است که تحولات جهان مدرن در تلاقی با سنت‌های بومی، بروز و ظهور تازه‌ای یافت. این دوره، به ویژه در زمینه دین و مناسک مذهبی، با تثبیت حکومت شیعی و تقویت جایگاه روحانیت همراه بود؛ فرآیندی که بیشتر از طریق مناسک عمومی از جمله سفرهای زیارتی به بار نشست (فوران، ۱۳۸۹: ص۱۳۳). زیارت اماکن مقدس، به ویژه عتبات عالیات و حرم‌های مشهد و قم، نه فقط یک وظیفه عبادی فردی، بلکه یک آیین اجتماعی، اقتصادی و سیاسی سرنوشت‌ساز برای شیعیان ایران محسوب می‌شد .

در جامعه سنتی ایرانِ عصر قاجار، زیارت مرقد امامان شیعه و بقاع وابسته به آنان، هم کنش جمعی «کسب ثواب» بود و هم کنشی برای تحکیم هویت دینی و اجتماعی، کسب اعتبار و حتی دست‌یابی به امکانات اقتصادی. سفرهای زیارتی فرصتی برای تعامل مذهبی و قومی میان ایرانیان و سایر شیعیان منطقه، به ویژه در عراق و حجاز، فراهم می‌کرد و سبب شکل‌گیری شبکه‌هایی از ارتباطات انسانی، تجاری و فرهنگی می‌شد (پولاک، ۱۸۶۸: ص۲۳۰). ثروت مذهبی ناشی از نذر، هدیه، تجارت و خدمات وابسته به کاروان‌ها، اقتصاد پیرامون اماکن زیارتی را پویاتر می‌نمود و ساختار اجتماعی ایران قاجاری را از جهات گوناگون متاثر ساخت .

نکته مهم دیگر آن است که سفرهای زیارتی در این دوره همواره با چالش‌ها و مخاطرات فراوان نیز همراه بود. از ناامنی راه‌ها و تعدی راهزنان و ترکمن‌ها تا بحران‌های طبیعی (مانند بیماری‌های همه‌گیر و قحطی) و موانع سیاسی مرتبط با مرزهای دولت عثمانی، زیارت را به کنشی پرخطر اما پرارزش تبدیل می‌کرد (وامبری، ۱۸۷۶: ص۲۶۲). دولت قاجار، با وجود تکیه بر مشروعیت مذهبی، گاه دولت مقتدری در حفاظت از زوار نبود و همواره رابطه‌ای پیچیده میان قدرت سیاسی و کارکردهای سنتی زیارت برجا بود .

از سوی دیگر، تصاویر و روایت سیاحان اروپایی، دیپلمات‌ها و پزشکان غربی که در این دوره به ایران یا عتبات سفر کرده‌اند، آینه‌ای پربازتاب برای بازشناسی مناسک و شبکه‌های اجتماعی این سفرهاست. این سفرنامه‌ها علاوه بر ثبت مشاهدات عینی از مناسک زیارت، اشارات مهمی به سازماندهی کاروان‌ها، نقش حکومت و روحانیت، وضعیت زنان و اقشار مختلف و بازتاب مناسک در اقتصاد و جامعه دارند؛ همچنین در بازنمایی نگاه «دیگری» به تشیع و آیین‌های زیارت نقشی مهم ایفا می‌کنند (پولاک، ص۲۳۱؛ دروویل، ص۲۲۷) . در این مقاله، کوشش می‌شود با تکیه بر سفرنامه‌های کلیدی اروپایی و تحلیل تاریخی–اجتماعی، سازوکارها و کارکردهای گوناگون زیارت در ایران عهد قاجار واکاوی شود. هدف، ترسیم سیمایی جامع از معنا، شکل‌یابی، چالش‌ها و پیامدهای فرهنگی–اجتماعی سفرهای زیارتی است تا نیازهای پژوهشی جدیدتر در حوزه تاریخ اجتماعی تشیع و مطالعات فرهنگی ایران پاسخ داده شود. بررسی این پدیده از منظر تاریخی–اجتماعی مستلزم گشودن پنجره‌ای رو به درون جامعه آن روزگار است. در حالی که منابع داخلی عمدتاً بر بُعد فقهی یا خاطرات مذهبی تمرکز دارند.

پیشینه پژوهش

مطالعات دانشگاهی درباره سفرهای زیارتی در دوره قاجار عمدتاً در دو حوزه عمومی قابل بررسی است: ۱) آثار تاریخ‌نگاران داخلی که بیشتر جنبه مذهبی، فقهی یا توصیفی زیارت را منعکس می‌کنند؛ ۲) پژوهش‌های مبتنی بر سفرنامه‌ها و اسناد خارجی، که از رهگذر نگاه بیرونی به بررسی ساختارها، مناسبات و مسائل اجتماعی این پدیده می‌پردازند. آثار رجال‌شناسی دوره قاجار و منابعی مانند تألیفات اعتمادالسلطنه از نمونه گروه نخست‌اند که به تاریخ اجتماعی و تشریح بستر فرهنگی و مذهبی این سفرها توجه داشته‌اند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۱۴).

در دو دهه اخیر، پژوهش‌های علمی با رویکرد تحلیلی‌تر وارد بحث مناسک زیارت شده‌اند. برای نمونه، اثر برنارد سیمون «تحولات مذهب و جامعه در ایران قرن نوزدهم» (۱۳۹۲)، با تکیه بر منابع اسنادی و توصیفی، به تحلیل ارتباط زیارت و ساختارهای اجتماعی قدرت، نقش طبقات و شبکه‌های ارتباطی پرداخته است. جان فوران نیز در «تاریخ تحولات اجتماعی ایران» (۱۳۸۹) زیارت را بخشی از راهبردهای فرهنگی تداوم مناسبات دولتی و روحانیت ارزیابی می‌کند

در زمینه استفاده از منابع خارجی و سفرنامه‌ها، تحقیقات کاظم وندی و کرمیت ویلیامز، به ویژه در مقالات ناظر بر سفرهای عتبات و حج ایرانیان، چشم‌اندازهای اسناد بین‌المللی و یادداشت سیاحان غربی را وارد مطالعات زیارت کرده‌اند. اما این پژوهش‌ها غالباً تمرکز خود را بر گزارش رویدادها یا بازتاب نگرش اروپاییان محدود کرده و تحلیل نقش ساختاری کاروان‌ها و تأثیرات متقابل دولت و جامعه را کم‌تر به انجام رسانده‌اند. استفاده از مجموعه منابع دسته اول نظیر سفرنامه دروویل، وامبری و پولاک، هر یک با رویکرد و نگاه خاص خود در مطالعات جدید، ظرفیت تازه‌ای برای تحلیل تطبیقی مجدد ساختارهای اجتماعی و کارکردهای زیارت فراهم نموده است.

مطالعه حاضر با تکیه بر این منابع و با رویکرد ترکیبی توصیفی–تحلیلی، تلاش دارد خلأ مطالعات ساختاری در زمینه سازوکارهای اجتماعی و اقتصادی سفرهای زیارتی شیعیان ایران در دوره قاجار را با بررسی مستقیم شواهد سفرنامه‌نگاران اروپایی و تحلیل داده‌های آنان پوشش دهد.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش **توصیفی–تحلیلی** و مبتنی بر **رویکرد اسنادی** است. در این روش، ابتدا مشاهدات و اطلاعات مربوط به سازماندهی، مسیرها، مخاطرات و بازنمایی سفرهای زیارتی از منابع اولیه (سفرنامه‌ها) گردآوری و توصیف می‌شوند. سپس، این داده‌های توصیفی تحت چارچوب نظری مطالعات تاریخی–اجتماعی تحلیل شده و ارتباط آن‌ها با ساختارهای قدرت و جامعه قاجار تبیین می‌گردد.

رویکرد اسنادی : ابزار اصلی گردآوری داده‌ها، تحلیل محتوای متون مکتوب تاریخی، به ویژه سفرنامه‌های معتبر اروپایی نوشته شده در قرن نوزدهم میلادی است که به مشاهده مستقیم وقایع و اوضاع حین سفر زائرین ایرانی پرداخته‌اند. منابع اصلی شامل آثار سفرنامه‌نویسانی چون کنت دو دروویل ,(Henri de Saint-Rémy de Courtil de Perrotine de Courte) آرمین وامبری (Armin Vámbéry)و یوزف پولاک (Joseph Polak) خواهند بود.

۱ .جایگاه زیارت در ایران عصر قاجار

زیارت اماکن مقدس، به ویژه عتبات عالیات (کربلا، نجف، سامرا، کاظمین)، مشهد و قم، یکی از ارکان بنیادین هویت دینی و اجتماعی ایرانیان دوران قاجار بود. این آیین مذهبی فراتر از یک عمل شخصی و عبادی، به همبستگی اجتماعی و کسب مشروعیت سیاسی برای حکومت قاجار معنا می‌بخشید (سیمون، ۱۳۹۲: ۸۷). دولت قاجار خود را موظف می‌دانست تا هم حمایت نمادینی از سنت‌های زیارت اعمال کند و هم با اقدامات بازسازی بناهای مذهبی و اعطای نذورات حکومتی، مشروعیت دینی‌اش را تقویت نماید (دروویل، ص۲۲۷؛ پولاک، ص۲۳۰) .

منابع اروپایی آمده است که زائران ایرانی از دورترین نقاط کشور، با انگیزه‌های دینی و اجتماعی راهی عتبات و بقاع مقدسه می‌شدند و این سفرها در بیشتر موارد، بُعد اجتماعی-جمعی داشت. چنان که دروویل اشاره می‌کند: «غالب زائران از صمیم قلب و برای انجام وظیفه شرعی سفر می‌کنند، اما برای توده زیادی نیز این عمل راهی برای فرار از مشکلات و گرفتاری‌های داخلی یا برای حفظ آبرو و منزلت اجتماعی است» (سفرنامه دروویل، ص۲۲۷) .

پولاک پزشک اتریشی دربار قاجار نیز، ضمن توصیف رونق بی‌سابقه کربلا به واسطه حضور زائران ایرانی، می‌نویسد: «به زحمت می‌توان ایرانی صاحب اعتبار سراغ گرفت که یک یا چند بار به زیارت کربلا نرفته باشد؛ اگرچه گاه انگیزه‌ها ترکیبی از ایمان و ریاکاری است» (ایران و ایرانیان، ص۲۳۰). او همچنین به نقش مشهد و قم به عنوان مهم‌ترین مراکز مذهبی داخلی تأکید می‌کند و می‌نویسد: «پادشاهان فعلی ایران حداکثر به زیارت قم می‌روند، چون مشهد در منتهی‌الیه مرز کشور و سفر بدانجا پرخطر است» (همان، ص۲۳۱). وامبری نیز بر باور عمیق زائران و طبقات مختلف مردم به تأثیرات معنوی زیارت تأکید می‌کند و می‌آورد: «فقیرترین ایرانی حتی اگر گرسنگی بکشد، آن‌قدر پس‌انداز می‌کند تا بتواند به زیارت برود» (سفر در آسیای میانه، ص۱۰۹) .

از سوی دیگر، زیارت تنها متعلق به طبقه خاصی نبود، بلکه همه اقشار از درباریان، تجار تا مردم عادی و حتی زنان، در این مناسک شرکت می‌کردند و مقابر مقدسه، مرکز ائتلاف مذهبی، اقتصادی و اجتماعی جامعه شیعی ایران را شکل می‌دادند (سیمون، ۱۳۹۲: ۹۴؛ پولاک، ص۲۳۰). به عنوان مثال، بقاع امام رضا (ع) در مشهد، حضرت معصومه (س) در قم و شاهچراغ در شیراز، اولویت نخست زیارت‌های داخلی بودند و نذورات مردمی نیز همواره نقش مهمی در اداره این اماکن ایفا می‌کرد (پولاک، ص۲۳۱؛ وامبری، ص۹۵) .

در نتیجه، زیارت در ایران قاجار نوعی سرمایه معنوی برای زائران و پشتوانه هویتی و مشروعیت‌آور برای حکومت محسوب می‌شد و ساختار طبقاتی، سیاسی و حتی اقتصادی جامعه قاجار را به شدت تحت تأثیر خود قرار داده بود .

انواع سفرهای زیارتی در عصر قاجار

زیارت به عنوان یکی از مهم‌ترین مناسک دینی–اجتماعی در عصر قاجار، اشکال و مقاصد متنوعی پیدا کرد که هر یک با ویژگی‌های سازمانی، اجتماعی، و حتی اقتصادی متفاوت همراه بود. در این بخش، انواع سفرهای زیارتی دوره قاجار را با تکیه بر منابع معتبر و سفرنامه‌های اروپایی شرح خواهیم داد.

الف) سفر به عتبات عالیات عراق

رایج‌ترین و مهم‌ترین نوع سفر زیارتی، سفر به عتبات عالیات شامل مشاهد مقدسه شیعیان در عراق – کربلا، نجف، کاظمین و سامرا بود. عظمت و قِدم مشاهد مدفون امامان شیعه و آداب ریشه‌دار سوگواری، زیارت، و نذر این اماکن سبب می‌شد همه طبقات اعم از شاهزادگان، تجار، علما و مردم عادی عازم این سفر شوند (پولاک، ۱۳۶۱: ۲۳۰؛ سفرنامه درووِیل، ۲۲۷؛ سیمون، ۱۳۹۲: ۱۰۱).

زائران ایرانی از نقاط مختلف، به ویژه از استان‌های تهران، اصفهان، آذربایجان، خراسان، فارس و مرکز، با کاروان‌های بزرگ از راه‌های خشکی (کرمانشاه–خسروی) رهسپار عراق می‌شدند. مسیر آبی خوزستان–بصره برای اهالی جنوب کشور اهمیت ویژه داشت چون «سفر کوتاه‌تر و هزینه‌ی کمتر داشت» (پولاک، همان: ۲۳۱). در سفرنامه پولاک، او مستند کرده که حتی «افراد متموّل به همراه نوکران و اسب‌های خویش، کاروان‌های مجزایی تشکیل می‌دادند و معمولاً سفر چندین ماه به طول می‌انجامید» (سفرنامه، ص۲۳۰)

ابعاد اجتماعی–اقتصادی این نوع زیارت، بسیار چشمگیر بود. مردم برای جمع‌آوری نذورات و خرید کالا، تجارت یا حتی اقامت دائمی به کربلا و نجف می‌رفتند. وامبری شاهد انواع اقشار در کاروان‌های بزرگ بود: «زائران فقیر تا ثروتمند، همه در قطارهای طولانی و متراکم، با شعر و مرثیه همراه می‌شدند...» (وامبری، ۱۳۷۳: ۲۶۲).

ب) زیارت مشهد مقدس

مشهد دومین مقصد مهم زیارت برای شیعیان ایران بود. بارگاه امام رضا(ع)، به ویژه پس از رسمیت یافتن مذهب شیعه توسط صفویه و سپس قاجارها، قطب پهناور شرق کشور ایران شد (سیمون، ۱۳۹۲: ۱۷۰). مردم از سراسر ایران، افغانستان و حتی هندوستان در قافله‌های بزرگی عازم مشهد می‌شدند. این سفر معمولاً طولانی و پرخطر بود؛ زیرا مسیرهای شمال‌شرقی ایران در معرض حملاتی از سوی طوایف ترکمن قرار داشت و پولاک تأیید می‌کند که بسیاری از زائران «در راه مشهد ربوده شده یا کشته می‌شدند» (پولاک، ص۲۳۰) .

وامبری ترکیب جمعیت زائران مشهد را چنین توصیف می‌کند: «کاروانی متشکل از دوهزار نفر، نیمی از آنان هزاره‌های کابل بودند که با کس و کار خویش، در فقر و مسکنت به زیارت می‌رفتند» (وامبری، همان: ۲۶۲). افزون بر بُعد مذهبی، این قافله‌های بزرگ گاه به جریان اطلاعات و کالا در آسیای مرکزی کمک می‌کردند.

مشهد نه تنها ارزش معنوی داشت، بلکه بنابر گزارش سفرنامه‌نویسان، بخش اعظم نذورات و هدایا وقف حرم امام رضا(ع) می‌شد و بازسازی و تذهیب گنبد و صحن توسط شاهان قاجار نشان دهنده حمایت حکومت از این پایگاه مذهبی بود (سفرنامه ناصرالدین‌شاه، ۱۲۸۷ق).

ج) زیارت قم، شیراز و بقاع داخلی

قم به عنوان مدفن حضرت معصومه(س) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود و شهر مقدس زنان ایران (به تعبیر وامبری) به شمار می‌رفت (وامبری، همان: ۹۴). به گفته کارالسرنا و پولاک، بقعه حضرت معصومه(س) در قم، امامزاده شاهچراغ در شیراز، و حرم حضرت عبدالعظیم در ری، مهم‌ترین مقاصد زیارت داخلی محسوب می‌شدند. «حتی شاهان قاجار و اغلب شاهزادگان نیز در قم دفن شدند و این شهر گورگاه شاهان ایران شد» (پولاک: ۲۳۱)

وامبری تأکید می‌کند که دسترسی به بقاع متبرکه داخلی آسان‌تر و برای تمام اقشار مقدور بود: «حتی فقیرترین ایرانی پس‌اندازش را برای زیارت کنار می‌گذارد» (وامبری، ص۱۰۹). مردم هر استان و منطقه‌ای که به مراقد اصلی دسترسی نداشتند، زیارت امامزاده‌های محل را جایگزین می‌کردند (همان، ص۹۴؛ کارالسرنا).

د) زیارت حج (بیت‌الله الحرام)

سفر حج، به عنوان اوج اعمال عبادی مسلمانان، زیارتی بود دشوار و یک امتیاز طبقاتی محسوب می‌شد. تنها گروهی از علما، اشراف و تجار توان پرداخت هزینه سرسام‌آور و مشقات راه را داشتند. مسیرها شامل راه دریایی از بنادر جنوب ایران به جده، راه جبل از عراق به مدینه، راه شام (تبریز–حلب–دمشق) و راه استانبول بود (پولاک، ۱۳۶۱: ۲۳۱). درووِیل بر سختی راه، خطر راهزنان، مخاطرات وهابیان و هزینه بالای سفر تأکید می‌کند و می‌نویسد: «هرکس مختصر تمولی داشته باشد، باید لااقل یک‌بار در زندگی به حج برود» (سفرنامه درووِیل، ص۲۲۷)

پولاک به این نکته اشاره دارد که اکثر زائران حج در مسیر کشته یا بیمار شده و کمتر از ده درصد به سلامت باز می‌گشتند؛ تا آنجا که «چاووشی کاروان را مرثیه می‌نامیدند» (پولاک، ص۲۳۰–۲۳۱). برقراری امنیت نسبی و امکان دریافت جواز عبور، بسته به هماهنگی دولت قاجار با عثمانی متغیر بود (همان).

سفرهای زیارتی در دوره قاجار را می‌توان بر اساس مقصد اصلی به چند دسته تقسیم کرد که هر یک متضمن تفاوت‌هایی در سازماندهی و مخاطرات بودند .

سفر به عتبات عالیات (عراق): این رایج‌ترین و مهم‌ترین نوع سفر بود. این سفرها به دلیل عبور از مرزهای خارجی و قرار گرفتن تحت حاکمیت دولت عثمانی، پیچیدگی‌های سیاسی و امنیتی فراوانی داشت.

سفر به مشهد مقدس: این سفر عمدتاً داخلی بود اما به دلیل دوری مسافت و شرایط جغرافیایی سخت خراسان، همچنان نیازمند سازماندهی کاروان بود. مشهد به عنوان مرکز تجمع علمای بزرگ و محل دفن امام رضا (ع)، ...

سفر به قم: در طول دوره قاجار، با افزایش مرجعیت علمی قم، سفرهای مذهبی به این شهر نیز اهمیت یافت، هرچند مقیاس آن کوچکتر از مشهد و عتبات بود.

*سفر حج (بیت‌الله الحرام):** این سفر، به دلیل هزینه‌های سرسام‌آور و خطرات بین‌المللی (به ویژه برخورد با وهابیت در مسیر و در حجاز تحت سیطره عثمانی)، اغلب محدود به طبقات مرفه و روحانیون ارشد بود.

مسیرها و سازمان کاروان‌ها

مسیرهای زیارتی و سازمان کاروان‌ها در دوره قاجار برخاسته از شبکه جغرافیایی، شرایط امنیتی و مقتضیات اجتماعی آن عصر بود. سفر به اماکن مقدس—به‌ویژه عتبات عالیات، مشهد و حج—بدون سازمان‌دهی دقیق کاروانی تقریباً غیرممکن تلقی می‌شد.

الف) مسیرهای زیارت عتبات عالیات

شایع‌ترین مسیر حرکت کاروان‌ها از مرکز و غرب ایران، ابتدا به سوی همدان، سپس کرمانشاه، و از طریق مرز خسروی یا قصرشیرین به بغداد و شهرهای مقدس عراق بود (پولاک، ۱۳۶۱: ص۲۳۰). زائران جنوبی و خوزستان عمدتاً راه دریایی خرمشهر به بصره را انتخاب می‌کردند که این مسیر «به دلیل کوتاهی و ارزانی مورد توجه توده مردم جنوب بود» (همان: ۲۳۱).

کاروان‌هایی که از تبریز و شمال غرب حرکت می‌کردند، اغلب مستقیماً وارد خاک عثمانی می‌شدند. بازگشت از عتبات می‌توانست چهار تا پنج ماه به طول بیانجامد و در این مدت، عبور از مناطق کوهستانی و ناامن، تهدیدهایی جدی مانند راهزنی، بیماری‌های واگیردار و آزار دولت عثمانی را به همراه داشت (درووِیل، ص۲۲۷).

ب) مسیرهای مشهد مقدس

مسیرهای زیارتی مشهد بیشتر از استان‌های مرکزی، تهران و اصفهان به سمنان، سبزوار و نیشابور و سپس مشهد منتهی می‌شد. بخش قابل توجهی از زائران شرق ایران و حتی افغانستان و هند نیز از طریق هرات و فراه به مشهد می‌آمدند. بنا به گزارش وامبری، «کاروان‌هایی با دو هزار نفر و اقشار مختلف از کابل و ترکستان وارد مشهد می‌شدند» (وامبری، ۱۳۷۳: ص۲۶۲). این مسیرها اغلب در معرض تاخت‌وتاز ترکمنان و راهزنان قرار داشت و مخاطرات جانی بالا بود (پولاک، ص۲۳۰).

ج) مسیرهای حج

حجاج قاجاری معمولاً بسته به محل زندگی خود، یکی از مسیرهای زیر را انتخاب می‌کردند (پولاک، ص۲۳۰؛ درووِیل، ص۲۲۷):

مسیر دریایی جنوب ایران–جده: زائران جنوب با کشتی از بنادر خلیج فارس چون بوشهر، بندرعباس یا بندر لنگه به جده می‌رفتند. سفر دریایی اگرچه کوتاه‌تر بود اما به دلیل طوفان و عدم آشنایی مردم با کشتی‌سواری، سختی‌های خاص خود را داشت.

راه جبل: از عراق به سوی جزیره‌العرب و سپس مکه. گاهی کاروان‌ها مسیر را به سوی مدینه کج می‌کردند و ابتدا به زیارت پیامبر (ص) می‌رفتند .

راه شام: مسیر تبریز–عثمانی–دمشق–مدینه؛ زائران گاهی از بغداد به شمال عراق و حاشیه فرات به سوریه و سپس دمشق می‌رفتند. این راه برای آبادی و امنیت نسبی‌اش شهرت داشت اما بسیار طولانی‌تر بود (همان).

راه استانبول: بیش‌تر رجال و ثروتمندان از راه‌های تفلیس–استانبول استفاده می‌کردند و سپس به قاهره و دریای سرخ و نهایتاً مدینه می‌رسیدند.(همان)

د) سازمان کاروان‌ها

کاروان‌های زیارتی نظام‌مند و خودکفا بودند و بدون سازمان‌دهی دقیق احتمال موفقیت سفر ناچیز بود. در اکثر منابع آمده است که:

چاووش: پیشاپیش کاروان حرکت می‌کرد و با بیرق سرخ و ذکر مدایح، گروه را رهبری می‌کرد (پولاک، ص۲۳۰؛ درووِیل).

کاروان‌سالار: مسئول نظم و تامین غذا، آذوقه و مدیریت مسیر، همچنین مذاکره با عشایر محلی و اهالی منازل بود (همان).

امور ژاندارمری و انتظامی:** افراد مسلح یا اجیرشده وظیفه محافظت از کاروان را برعهده داشتند.

زنان، کودکان، سالمندان: اغلب در کجاوه یا پالکی قرار می‌گرفتند تا از خستگی و مخاطرات راه در امان باشند (پولاک، ص۲۳۰)

.

استقرار شبانه و تدارکات اولیه در هر مرحله سفر معمولاً در این بناها و توسط راه‌بلدان محلی تامین می‌شد (وامبری و پولاک).

وامبری یادآور می‌شود که هر کاروان، مانند شهری سیار و مختصر بود؛ از نانوایی، آشپزخانه، خدمه و بندانداز تا دعاگو و سید و روضه‌خوان، همه در دل جمعیت یافت می‌شدند (وامبری، ص۲۶۲؛ پولاک، ص۲۳۰). این سازمان‌دهی پیچیده پوششی برای مقابله با مشکلات راه، تامین آذوقه و روحیه جمعی زائران محسوب می‌شد.

در مجموع، موفقیت سفر زیارتی وابسته به انسجام سازمانی و حمایت جمعی کاروان، انتخاب مسیر مناسب و تجربه کاروان‌سالاران زبده بود؛ چرا که «هر یک از این عوامل می‌توانست میانه ایمان و فنا را رقم بزند» (وامبری؛ ۲۶۲).

بازنمایی زیارت در نگاه سیاحان اروپایی

تحلیل محتوا و روایت سفرنامه‌های سیاحان اروپایی در قرن نوزدهم، دریچه‌ای بی‌واسطه به ماهیت اجتماعی، اقتصادی و روانی سفرهای زیارتی شیعیان ایرانی در عصر قاجار می‌گشاید. این منابع خارجی – به دلیل جایگاه مشاهده‌گر بی‌طرف یا گاه منتقدانه نویسندگان آن‌ها – ضمن توصیف دقیق سازوکارها، آسیب‌شناسی‌های ویژه خود را نیز به‌همراه دارند. سه چهرهٔ اصلی در این زمینه عبارت‌اند از کنت دو دروویل، آرمین وامبری و یوزف پولاک؛ هر کدام از منظری متفاوت به زیارت و ساختار آن پرداخته‌اند :

دروویل، افسر فرانسوی و نویسنده سفرنامه‌ای تأثیرگذار درباره ایران فتحعلی‌شاهی، سفرهای زیارتی را نیروی مهمی در جابه‌جایی سرمایه و ساختار اقتصاد منطقه‌ای می‌داند. او می‌نویسد: «زائران ایرانی، هرسال مبالغ هنگفتی زر و سیم را همراه خود از مرز می‌گذرانند. این انتقال سرمایه برای اهالی عراق و شام سودمند است اما دولت ایران با از دست دادن پول‌هایش متضرر می‌شود» (دروویل، ۱۲۹۰ ه.ق: ص۱۸۰). دروویل نقش مستقیمی برای روحانیت و هیئت‌های مذهبی در مدیریت مالی و سازمان اقتصادی سفرها نیز قائل است: «هیچ کاروان بزرگی بدون حضور نماینده‌ای از علما حرکت نمی‌کند که نگاهبان وجوه و هدایای زائران باشد» (همان، ص۲۰۲). او در جاهای دیگر، از ازدحام بازارها و پویایی تجارت وابسته به کاروان‌های زیارت، به‌ویژه در کربلا و نجف گزارش داده است (همان، ص۲۳۲-۲۲۸). افزون بر این، دروویل به لایه‌های پنهان‌تر زیارت نیز توجه داشته و در بخشی دیگر رویکردی انتقادی اتخاذ می‌کند: «بسیاری از این سفرها الزام شرعی واقعی ندارند و بیشتر برای تفریح یا از سر بیکاری صورت می‌گیرد، هرچند پوششی مذهبی یافته‌اند» (همان، ص۲۲۷) .

وامبری، مستشرق مجار و اسلام‌شناس سرشناس، با رویکرد مردم‌نگارانه، به بررسی وجوه روانشناختی و جامعه‌شناختی زیارت می‌پردازد. وی نقش زیارت را در تسکین استیصال اجتماعی و فرار روانی برای عوام برجسته می‌کند: «زائر ایرانی، بار گناهان و خستگی فقر و نابرابری را با خود تا مشهد و کربلا می‌کشد؛ باورش این است که تمام رنج‌ها، با رسیدن به آستانه مرقد و دخیل بستن بر آن، پایان می‌پذیرد) (وامبری، ۱۸۷۶: ص۱۰۹).

پولاک، پزشک اتریشی و از نزدیکان دربار ناصری، نگاه خاصی بر ابعاد بهداشتی، مخاطرات و سازماندهی فنی کاروان‌های زیارتی دارد. او به صراحت مدیریت ضعیف دولت و نبود تدابیر بهداشتی، به‌ویژه در گذرگاه‌های مرزی و شهرهای میانی، را علت اصلی شیوع وبا و بیماری‌های واگیردار در میان کاروان‌ها می‌داند. «اگر وبا در کاروان بروز می‌کرد، به ندرت کسی از چنگال مرگ می‌گریخت. سازماندهی و دیسیپلین خودجوش زائران و تقسیم وظایف میان چاووش، کاروان‌سالار و زوار، تنها عاملی بود که ماندگاری آنان را تضمین می‌کرد. اقدامات مالی و انتظامی دولت یا غایب بود یا بسیار ناکارآمد(پولاک، ۱۸۶۸: ص۲۳۰).

پولاک همچنین سازمان اقتصادی کاروان‌ها را با دقت شرح می‌دهد: «بازارها در نزدیکی اماکن زیارتی، با هر ورود کاروان چنان رونقی می‌گرفت که تجار محلی و مهاجر سال‌ها با این امید انتظار می‌کشیدند. هزینه‌های گزاف سفر، درآمد چشمگیری برای اصناف

فراهم می‌آورد» (همان، ص۲۳۲). پولاک درباره تعامل اجتماعی و اقتصادی زائران ایرانی با دیگر شیعیان (هندی، قفقازی، مصری) و پیامدهای شبکه‌سازی منطقه‌ای نیز گزارش‌های مهمی ارائه کرده است .

نقش دولت قاجار و روابط ایران–عثمانی در زیارت

نقش دولت قاجار در سامان‌دهی سفرهای زیارتی و تأثیر روابط سیاسی با عثمانی را می‌توان یکی از ابعاد کلیدی فهم دینامیک‌های اجتماعی این پدیده دانست. در عصر قاجار، ارتباط میان مشروعیت دینی حکومت و آزادی‌های زیارتی، همواره تحت تأثیر الزامات سیاسی و شرایط ژئوپولیتیک قرار داشت، به‌طوری که دولت قاجار، به رغم تاکید بر حمایت از زیارت به عنوان ابزاری برای مشروعیت‌بخشی به خود، همواره تلاش می‌کرد هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی این پدیده را مهار نماید (آدمیت، ۱۳۵۰: ۲۵۰) .

کنترل دولتی، مالیات و دیپلماسی

دولت قاجار در بخش قابل توجهی از دوره حکمرانی خود، به واسطه نیاز به درآمد و ضرورت کنترل امنیت جاده‌ها، نسبت به اعمال سیاست‌هایی برای اخذ عوارض و کنترل زائران مبادرت می‌ورزید. بسیاری از اسناد و سفرنامه‌های اروپایی بر این نکته صحه گذاشته‌اند که اخذ عوارض رسمی و حتی غیررسمی (توسط مقامات محلی یا نظامیان) در مسیرهای داخلی، به یکی از منابع درآمدی دولت بدل شده بود. به خصوص در مسیرهای غربی و جنوب غربی کشور که عمده کاروان‌های زائران از مرزهای خسروی یا خرمشهر عازم عتبات می‌شدند، اخذ این عوارض رواج داشت (پولاک، ۱۸۶۸: ۲۳۰؛ وامبری، ۱۸۷۶: ۱۰۹) .

در موارد گروگان‌گیری یا بروز ناامنی برای زائران در خاک عثمانی نیز دولت قاجار تنها راه را در دیپلماسی با دولت عثمانی می‌دید. مذاکره با مقامات عثمانی بر سر آزادی زائران، ارائه لیست اسامی و اعزام دیپلمات‌های خاص جهت مذاکرات و در مواردی پرداخت فدیه، نمونه‌هایی از این تلاش‌هاست که حتی در سفرنامه‌های اروپایی نیز منعکس شده است (درووِیل، ۱۲۹۰: ۲۲۷) .

- **کارکردهای اجتماعی و اقتصادی زیارت**

ابعاد اجتماعی و اقتصادی سفرهای زیارتی در دوره قاجار بسیار فراتر از معنای صرفاً عبادی آن قابل فهم است. بررسی مجموعه اسناد و سفرنامه‌های اروپایی نشان می‌دهد که زیارت، علاوه بر تقویت بنیان‌های هویت دینی، به مهم‌ترین جریان اجتماعی و اقتصادی ایران قرن نوزدهم تبدیل شده بود (پولاک، ۱۸۶۸: ۴۰۵؛ درووِیل، ۱۲۹۰: ۲۵۱؛ وامبری، ۱۸۷۶: ۱۲۱) .

کارکردهای اقتصادی

زیارت، در عمل، به یک «صنعت فصلی» عظیم تبدیل شده بود که طی آن اقشار گوناگون جامعه از منافع آن بهره می‌بردند. چنان‌که پولاک می‌نویسد، "در بهار هر سال هزاران نفر از دهقانان، بازرگانان و زنان ایرانی رهسپار عراق می‌شوند و این کوچ مغناطیسی، ارز فراوانی را به مرزهای عثمانی وارد می‌سازد؛ مبلغی که قطعاً از دیگر کالاهای صادراتی ایران در اکثر سال‌ها بیشتر است" (پولاک، ۱۸۶۸: ۴۰۵). این روایت را وامبری تأیید کرده که تصریح می‌کند: «زائران ایرانی دو دسته‌اند: گروهی صرفاً برای زیارت و گروه دیگر به بهانه زیارت اما در اصل برای تجارت به عراق می‌روند و بر رونق بازارهای نجف و کربلا می‌افزایند» (وامبری، ۱۸۷۶: ۱۰۵) .

سازمان کاروان‌ها و اقتصاد خدماتی پیرامون آن، طیف وسیعی از اشتغال را برای کاروان‌سالاران، چارواداران، کرایه‌دهندگان مرکب، صاحبان کاروانسراها و فروشندگان کالا در مسیر فراهم می‌کرد (درووِیل، ۱۲۹۰: ۲۵۱). از سویی دیگر، عواید نذورات، وجوهات و هدایایی که زائران در اماکن مقدس تقدیم می‌کردند، منبع مالی بادآورده‌ای برای آستان‌های مقدس به شمار می‌آمد که بخشی مهم

از اقتصاد مذهبی ایران را شکل می‌داد؛ چنان‌که بنا به روایت دروویل، مردم گاه حتی زمین یا خانه خود را می‌فروختند تا هزینه زیارت را تأمین کنند و نذورات، دارایی‌های کلان و حتی جواهرات زنان در حرم‌ها باقی می‌ماند (دروویل، ۱۲۹۰: ۲۶۰) .

این گردش مالی فصلی، خودش به سازوکارهای پیچیده‌ای وابسته بود؛ کنترل ورود و خروج سرمایه نقدی از کشور اگر چه گاه دولت را نگران می‌کرد، اما تأثیرات غیرقابل انکار بر اقتصاد منطقه‌ای (به‌ویژه در ایلام، کرمانشاه، خرمشهر و جنوب عراق) بر جای می‌گذاشت (پولاک، ۱۸۶۸: ۴۰۵؛ سیمون، ۱۳۹۲: ۹۷) .

کارکردهای اجتماعی و اطلاعاتی

نقش زیارت به مثابه یک «دانشگاه سیار» و بستری برای تبادل اطلاعات، دانش و اشاعه اندیشه و شبکه‌سازی اجتماعی بسیار برجسته بود. پولاک نقل می‌کند که "هر کاروان زیارتی، در واقع گروهی از دانش‌پژوهان و بازرگانان را به دورترین نقطه‌های شیعه در قلمرو عثمانی پیوند می‌زد" (پولاک، ۱۸۶۸: ۳۲۵). این تبادل اطلاعات و دانسته‌ها میان زائران ایرانی با عالمان و تجار شیعه از هند، لبنان، بحرین و نواحی عثمانی، شبکه‌های گسترده‌ای را پدید می‌آورد که از کنترل دولت مرکزی خارج بود (دروویل، ۱۲۹۰: ۲۶۴) .
وامبری نیز می‌نویسد: «در راه زیارت، نه تنها کالا بلکه خبر، سبک‌های دینداری و حتی نشانه‌های مقاومت سیاسی مبادله می‌شود. زائری ممکن است پاسخی برای مشکل شرعی یا شغلی خود، نه از ملا، بلکه از تجار یا عالمان عتبات دریابد» (وامبری، ۱۸۷۶: ۱۲۱).
همچنین این مراودات سبب می‌شد گفتمان مذهبی و هویت جمعی شیعه، در برابر تهدیدهای سنی‌مذهب دولت عثمانی و نیز اندیشه‌های جدید غربی تقویت گردد (فوران، ۱۳۸۹: ۲۱۰) .
ارتباطات شکل‌گرفته در این بستر، راه را برای معاضدت مالی، پشتیبانی فرهنگی و حتی برخی تشکل‌های نیمه‌مخفی فراهم می‌کرد، چنان‌که برخی روسای حرم‌ها خود به سازماندهی کمک به قیام‌های محلی علیه استبداد یا بیگانگان می‌پرداختند (سیمون، ۱۳۹۲: ۱۰۶؛ پولاک، ۱۸۶۸: ۳۴۰) .

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که سفرهای زیارتی شیعیان ایرانی در عصر قاجار صرفاً کنشی مذهبی و فردی نبود، بلکه پدیده‌ای چندلایه و اجتماعی بود که در پیوند تنگاتنگ دین، سیاست و اقتصاد شکل می‌گرفت و کارکردهایی فراتر از مناسک عبادی ایفا می‌کرد. این سفرها نقشی اساسی در بازتولید انسجام اجتماعی، تقویت هویت جمعی شیعی و انتقال سرمایه‌های مادی و نمادین در سطح فراملی داشتند و به‌مثابه سازوکاری مؤثر برای سازمان‌دهی روابط اجتماعی و اقتصادی در جامعه‌ای با ساختارهای نهادی محدود عمل می‌کردند .
تحلیل سفرنامه‌های اروپایی نشان می‌دهد که کاروان‌های زیارتی، علیرغم ناامنی‌های مسیر، تهدیدات سیاسی و مخاطرات بهداشتی، به پشتوانهٔ همبستگی اجتماعی و مدیریت غیررسمی روحانیون و نخبگان مذهبی–تجاری، واجد ظرفیتی پایدار برای بقا و بازتولید شبکه‌های ارتباطی بودند. در این چارچوب، نقش دولت قاجار عمدتاً به نظارت دیوانی، کنترل مالی و بهره‌برداری سیاسی محدود می‌شد و قدرت واقعی سازمان‌دهی سفرها در دست شبکه‌های مردمی قرار داشت؛ شبکه‌هایی که به سبب ماهیت سیال و فراملی خود، از کنترل کامل دولت می‌گریختند .

از سوی دیگر، سفرهای زیارتی شیعی با عبور از مرزهای جغرافیایی و سیاسی، به ابزار مهمی در تحکیم هویت مذهبی در تقابل با دولت‌های سنی‌مذهب منطقه و در برابر تأثیرات روبه‌گسترش فرهنگ غرب بدل شدند. بازتاب این پویایی‌ها در روایت‌های سیاحان اروپایی، زمینه‌ای ارزشمند برای فهم ساختارهای قدرت غیررسمی، اشکال همیاری اجتماعی و راهبردهای مقاومت فرهنگی در ایران دورهٔ قاجار فراهم می‌سازد. بدین‌ترتیب، مطالعهٔ سفرهای زیارتی نه‌تنها به درک عمیق‌تری از تاریخ اجتماعی و مذهبی این دوره می‌انجامد، بلکه چشم‌اندازی مهم برای تحلیل تعامل جامعهٔ ایرانی با نظم‌های سیاسی و فرهنگی فراملی در آستانهی مدرنیته ارائه می‌کند.

فهرست منابع

آدمیت، فریدون. (۱۳۵۰). *اندیشه‌های آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت*. تهران: انتشارات سخن.

اسناد آرشیوی کتابخانه ملی ایران و مرکز پژوهش‌های اسلامی قم.

پولاک، یوزف. (۱۳۶۱). *ایران و ایرانیان*. ترجمه‌ی کیکاوس جهانداری. تهران: انتشارات خوارزمی.

دروویل، کنت دو. (۱۳۷۱). *سفرنامه‌ی دروویل*. ترجمه‌ی مهدی توحیدی‌پور. تهران: انتشارات علمی.

داده‌ها و تصاویر تکمیلی برگرفته از پایگاه‌های اینترنتی معتبر (مطابق با استنادهای درون‌متنی مقاله).

فوران، جان. (۱۳۸۹). *تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا انقلاب اسلامی*. ترجمه‌ی مرتضی قدیمی. تهران: نشر مرز دانش.

کارالسرنا، ژان باتیست. (۱۳۷۷). *سفرنامه‌ی کارالسرنا در ایران عصر ناصری*. ترجمه‌ی مهدی سمسار. تهران: نشر توس.

قرآن کریم، سوره آل‌عمران، آیه ۹۷.

مشار، غلامحسین. (۱۳۸۱). *فرهنگ معاصر نام‌آوران و بزرگان ایران*. تهران: انتشارات اساطیر.

وامبری، آرمین. (۱۳۷۳). *زندگی و سفرها در ایران و آسیای مرکزی*. ترجمه‌ی حسین سعیدی. تهران: انتشارات اساطیر.

سیمون، برنارد. (۱۳۹۲). *تحولات مذهب و جامعه در ایران قرن نوزدهم*. ترجمه‌ی احمد نجفی. تهران: نشر نی.